

# ابن فارض

## نوشین مهاجرین

آنان که به راه عشق ثابت قدم اند  
در ملک بقا بسر فرازی علم اند  
مقصود خلاصه وجود ایشانند  
باقی همه با وجود ایشان عدم اند

نوشیدن شراب محبت الهی، مستی در راه عشق حق از جمله باورهای شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم هـ ق است. ابوحفص و ابوالقاسم عمر بن ابی الحسن بن مرشد بن علی ابن فارض در سال ۵۶۵ هـ ق در قاهره به دنیا آمد. درباره سال تولد و مرگ او چند نقل قول شده است:

- ابن خلکان معاصر ابن فارض در کتاب وفیات ج ۱ چنین نوشته است: «ان ابن فارض ولد فی الرابع من ذی القعدة سنه (۵۷۶ هـ ق) و توفی بهایوم الثلاثاء الثانی من جمادی الاولی سنه (۶۳۲ هـ ق) و دفن من الغد بصفح المقطم.»

- نویسنده بدایع الظهور تولد او را «الرابع من ذی القعدة سنه ۵۷۷ من ذی القعدة وله من العمر اربع و خمسون سنه و سته اشهر و ایام» ذکر کرده است.

- درشذرات الذهب تولد او را در سال ۵۶۶ هـ ق و وفات وی را در سال ۶۳۲ هـ ق دانسته اند.

- مولف لوامع جامی تاریخ در گذشت او را ۶۳۵ هـ ق ذکر کرده است.

قدیمی ترین شرح حال او را نوه دختری اش - علی - در مقدمه شرح دیوان او نوشته است. چون پدرش حقوق زنان را بر مردان در حضور حاکمان معین می کرد، به فارض معروف بود: «والده قدم من حماه الی مصر، فقطنها وصاریثت الفروض للنساء علی الرجال بین یدی الحکام، تم ولی نیابه الحکم فغلب علیه التلقیب بالفارض، ثم سئل بعد ذلک ان یکون قاضیا للقضات.»

درباره نژاد ابن فارض که از تبار عرب است یا نه کسی اشاره ای نکرده است و تنها به گفته نوه اش که استاد به خوابی که جدش دیده است استناد می شود: «انه رای فی المنام النبی علیه الصلوه والسلام، فساله عن نسبه، فاذا یحییبه بانه حفظ هذا النسب عن ابيه و جده و

علم انه ينتهي الى بنى سعد قبيله حليمه مرضعه النبی» ابن فارض مدتی در مکه بود و باقی عمر را در قاهره ماند. او مورد احترام مردم شهر خود بود و تا آخر عمر در غالب وعظ و خطابه مردم را به سوی حق دعوت می کرد. او علاوه بر عرفان عملی در عرفان نظری نیز جایگاه قابل توجه دارد. وقار، متانت، آرامش و سکون از ویژگی های خلقی او است. درباره حالات خاص او به خصوص در هنگام سرودن شعر این گونه گفته اند: هنگامی که می خواست شعری بسراید، از خود بی خود می شد، برخی اوقات این بی خبری تا ۱۰ روز ادامه داشت، در تمام این مدت نه غذا می خورد، نه آب می نوشید و نه از جای خود حرکت می کرد، هنگامی که به خود می آمد، ابیاتی از شعر می نوشت. او را شاعر صوفی می دانند که بر مذهب خود جامه فلسفه پوشانید. ابن فارض نمونه عالی انسانی است که در زندگی اخلاقی و روحانی با ریاضت و مجاهده، تجرد روح از کدورت حس، رهایی از سلطه شهوت، انقطاع از خلق و اختیار عزلت به مدارج ارزشمندی دست یافت.

از معاصران او که با ملاقات داشته اند و یا در مصاحبتش بوده اند می توان شهاب الدین سهروردی، ابن عربی و شاگرد فاضل و بزرگش صدرالدین قونوی را نام برد.

«فی المناجات، الهی هر چه در دل ما گشت، اگر در حساب صدق و صواب است، نتیجه انعام و ثمره کشف و الهام تست، ما را برادا شکر آن فرصت ده و اگر در اعداد کذب و فساد است، از قصور اهلیت و نقصان قابلیت است، بر ما به حسن تجاوز و غفران منت نه.»

#### آثار:

در کتاب «ابن الفارض و الحب الهی» نوشته دکتر محمد مصطفی حلمی درباره شیوه تفکر ابن فارض این گونه آمده است: «آثار شعری ابن فارض عموماً در تائیه و خمربه او خصوصاً که دارای معانی لطیف و اشارات عمیق است برای ما آشکار می سازد که شعر می تواند حقایق پوشیده و مسایل دقیقه را بیان کند و شعر در این ناحیه کمتر از نثر نیست. دیوان ابن فارض تحفه ادبی و تصوفی است که هم از ناحیه فنی و هم از ناحیه روحی ارزش بسیار دارد ... ابن فارض بدون تردید شاعر تصوف است در تاریخ تصوف عربی اسلامی.»

دیوان اشعار: (جز این اثری از وی بدست نیست) این دیوان دارای خصایص فنی و ارزش فلسفی است. بر آن چند شرح نوشته اند:

شرح بدرالدین حسن بورینی (۹۳۶ - ۱۲۰۴ هـ)، دو جلد، شرح معانی لغوی است.

شرح عبدالفتنی نایینی نقش بندیقادی (۱۰۵۰ - ۱۱۴۳ هـ) به نام کشف السر الغامض من شرح دیوان ابن الفارض، دو جلد.

شرح دیوان ابن الفارض از رشیدین غالب دحداح لبنانی که به شرح بورینی و تابلسی پرداخته است.

شرح ابن جوزی به نام جلا الغامض فی شرح دیوان ابن الفارض، که توجه به اعراب و معانی داشته است.

تائیه کبری که با بیت زیر آغاز می شود: سقتنی حمیا الحب راحه مقلتی  
و کاسی محیا من عن الحسن جلت اولین شارح این قصیده سعید الدین فرغانی است: بعد  
از در گذشت ابن فارض صدرالدین رومی در روم، شام و مصر تدریس می کرد و اصحاب  
بحث تقریرات ابن عارف بزرگ

شرح سید علی بن شهاب همدانی (م ۷۸۶هـ) به نام مشارب الاذواق م فارسی و کشف الظنون  
ج ۴ ث ۶۳۶

شرح مولی علمشاه عبدالرحمن بن صالحی امیر (م ۹۸۷هـ) کشف الظنون ص ۵۳۷  
شرح قاضی صنع الله (م ۱۰۵۰هـ) که در آن به اعتراض پسر کمال پاشا برجامی، ۴۰ جواب  
داده است.

شرح مولی عبدالرحمن بن احمد جامی (م ۸۹۸هـ) به فارسی، جامی نخست مقدمه‌ای شامل  
چند لامعه در محبت و اقسام آن نوشت، توضیح و تفسیر و معانی لغات شعر را در غالب  
رباعی می آورد.

در خاتمه بیٹی از قصیده تائیه به همراه شرح فارسی آن به یاد عارفی که بر عشق معنی  
دیگری نوشت، آورده می شود:

لک الحکم فی امری فما شئت فاصنعی  
فلم تک الافیک لاعنک رغبتی  
«خواهی به وصال کوش و خواهی به فراق  
من فارغم از هر دو مرا عشق تو بس

تیترا:

یارم ره و رسم عشق نیکو داند  
بگذاشته ام مصلحت خویش بدو  
گر بکشد و گر زنده کند او داند  
«این سه بیت گذشته برولا به زبان انتهای مقام عشق گفت»

منابع:

۱. نوامع جامی (شرح قصیده خمیره ابن فارض، در وصف راح محبت)، تصحیح حکمت آل آقا، انتشارات  
بنیاد مهر
۲. مشارق الدراری، (شرح تائیه ابن فارض)، سعید الدین سعید فرغانی، مقدمه و تعلیقات سید جلال الدین  
آشتیانی، تهران، انجمن فلسفه و عرفان اسلامی.